



# سیره اهل بیت (علیهم السلام) در مهندسی فرهنگی جامعه (با تاکید بر راه کنش کادرسازی فکری و فرهنگی در جنگ شناختی)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰، بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

رضامهرزاد<sup>۱</sup>

## چکیده

با روی کار آمدن امویان، انحرافات شناختی عمیقی متوجه جامعه اسلامی شد. صدماتی که در ابعاد و شئون مختلف اجتماعی موجب بروز شکاف‌های فکری و عقیدتی در میان امت اسلامی گردید. در مقابل، اهل بیت (علیهم السلام) با توجه به شکاف فکری و فرهنگی به وجود آمده در محیط جامعه، «مهندسی فرهنگی با محوریت کادرسازی فکری و فرهنگی» را به عنوان یکی از تاکتیک‌های اصلاحی خود برگزیدند؛ تاکتیکی که می‌تواند به مثابه عاملی مداخله‌گر، به مقابله با تفکر و گفتمان حاکم بر جامعه بپردازد و ضمن حمله به پایه‌های فکری جریان رقیب، به جهت‌دهی شناختی توده‌های مختلف مردم بر مبنای مبانی معرفتی خود بپردازد. از این رو، در این پژوهش با رویکرد مطالعه تاریخی و روش تحلیل تطبیقی این راه کنش شناختی اهل بیت (علیهم السلام) بررسی کرده و آن را در قالب اقداماتی همچون «تامین پیش‌نیازهای شناختی»، «تربیت و آموزش نیروی انسانی» و «ارزش‌سازی متعالی در سبک زندگی» مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.

**کلیدواژه‌ها:** سیره، مهندسی فرهنگی، کادرسازی، جنگ شناختی، اهل بیت (علیهم السلام).

۱. دانشجوی دکترای رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: rezamehrzadselakjani@gmail.com

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله پژوهش

از جمله پیش نیازها و مقدمات ضروری در مهندسی فکری و فرهنگی موثر در جامعه، ایجاد زیرساخت‌ها، تربیت و به کارگیری نیروهای فکری و فرهنگی است. مسئله‌ای که در جنگ شناختی اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه میزان موفقیت و گستره فعالیت و نفوذ جنگ شناختی در جوامع، ارتباط مستقیمی با تعداد و توانایی نیروهای درگیر در این عرصه دارد. امامان شیعه پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسئولیت خطیر تربیت جامعه اسلامی و پرورش نیروی فکری و فرهنگی را عهده دار شدند. هر چند پیشامد حوادث تلخی همچون سقیفه و مانند آن منجر به دور نگه داشتن اهل بیت (علیهم السلام) از منصب رهبری و زعامت جامعه شد، اما آن حضرات به فراخور فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار داشتند به مسیر تربیتی و کادر سازی خود ادامه دادند. چه این که هر مکتبی که داعیه تربیت و پرورش انسان‌ها را دارد، لزوماً باید دارای یک نظام فکری جامع، مستقل، محکم و استوار باشد و در شرایط مختلف و متناسب با مقتضیات زمان، نقشه راه ارائه دهد.

از این رو، امامان معصوم (علیهم السلام) بر مبنای تفکر اسلام شیعی که میراث‌دار اسلام نبوی و در نقطه مقابل اسلام قریشی برآمده از جریان سقیفه بود، دست به مهندسی فرهنگی و تربیتی اجتماعی زدند و به تربیت نیروی فکری و فرهنگی پرداختند. با اتخاذ این سیاست، جریان امامت به وسیله همین نیروها شبکه گسترده فکری و فرهنگی در جامعه به راه انداخت؛ شبکه‌ای مملو از تربیت یافتگان مکتب امامت الهی که در شرایط خفقان و فشار شدید بر رهبران اصلی جریان حق، توانستند نقش جایگزین ایشان را ایفا و با نشر و گسترش معارف اسلام ناب، ضمن آشنایی توده‌های مردم با فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، پایه‌های حکومت و تفکر طاغوتی را هرچه بیش از پیش سست کنند. لذا در این پژوهش با تحلیل تطبیقی تاریخی به سیره اهل بیت (علیهم السلام) در مهندسی فرهنگی (با تاکید بر راه کنش کادر سازی فکری و فرهنگی در جنگ شناختی) می‌پردازیم. محدوده پژوهش ما نیز عصر حضور امامان شیعه (علیهم السلام) در دوره حکومت بنی امیه است.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

به رغم پژوهش‌های بسیاری که به دلیل اهمیت این بازه زمانی صورت گرفته، با این حال تاریخ امویان از منظر رویکرد شناختی به صورت متمرکز و جدی مورد کاوش و بررسی قرار نگرفته است. شاید دلیل عمده این مسئله، نوظهور بودن این شیوه از مطالعه تاریخ و نبود منابع چشمگیر در این زمینه باشد. دیگر اینکه هدف این پژوهش مطالعه این برهه از تاریخ از منظر رویکرد شناختی است. با عنایت به این نکته مهم، تفاوت این پژوهش با پژوهش‌هایی از قبیل: «تهاجم فرهنگی در عصر امویان: سیاست‌های ضد فرهنگی بنی امیه، تاثیرات آن بر جامعه و اقدامات متقابل اهل بیت (ع)» (شاهوردی، ۱۳۹۸)، «فرماندهی و مدیریت حضرت علی (ع) در برخورد با جنگ نرم در زمان خلافت» (عالی نژاد و بیرانوند، ۱۳۹۸)، «نگرشی بر اصول تربیتی آموزشی امامان معصوم (ع) با تاکید بر رویه شاگردپروری امام جعفر صادق (ع)» (محمدجانی و فاضلی، ۱۴۰۳)، «تبیین سیره تربیتی امام صادق (ع) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی» (کشاوری و ترکاشوند، ۱۳۹۶)، «سبک آموزش دینی امام سجاد (ع)» (معینی پور و موسوی، ۱۳۹۴) و مواردی از این دست، در نوع رویکرد مطالعاتی و مسئله محوری مورد بحث آن‌هاست. نبود رویکرد شناختی در بررسی تاریخی، محدود بودن پژوهش به برهه‌ای خاص یا صرف بررسی عملکرد جبهه باطل، حوزه‌های بررسی متفاوت همچون مناظرات و مواردی از این دست از جمله این تفاوت‌هاست.

## ۱-۳. روش‌شناسی پژوهش

موضوع اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که با توجه به انحرافات فکری به وجود آمده در جامعه اسلامی عصر حکومت امویان، اهل بیت (ع) چه اقداماتی را در راستای کادرسازی فکری و فرهنگی یا تربیت نیرو انجام داده‌اند؟ آیا سیره اهل بیت (ع) در این زمینه فرایند مشخصی داشته است؟

طبیعتاً پرداختن به این سوالات، مستلزم تبیین مناسب نحوه عملکرد امویان در زمینه جنگ شناختی است. به عبارت دیگر، مقدمه پاسخ به این سوالات، بیان اقداماتی است

که جبهه باطل اموی در جنگ شناختی علیه اهل بیت (علیهم السلام) اتخاذ کرده است؛ اما از آنجا که محدودیت‌های نوشتاری پژوهش، اجازه پرداخت تفصیلی به همه این مباحث در قالب یک مقاله را نمی‌دهد، به این مهم در قالب پژوهش‌های دیگری پرداخته شده است (در این باره بنگرید به: مهرزاد، ۱۴۰۱؛ مهرزاد و پرهیزکاری، ۱۴۰۴: ۱۵۲-۱۲۵).

دیگر اینکه این تحقیق از منظر هدف تحقیقی کاربردی است، چراکه سعی می‌شود نتایج حاصل از آن مورد استفاده مراکز فرهنگی و تمدنی برای ایجاد نظام فکری هم‌سو با اندیشه‌های معصوم (علیهم السلام) و بسترسازی تشکیل تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. از حیث رویکردی نیز با روش سبک‌نگارانه و کل‌نگر و از منظر گردآوری اطلاعات نیز، تحقیقی توصیفی تحلیلی است.

## ۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. سیره: لغت‌شناسان درباره معنای واژه سیره نظرات مختلفی مطرح کرده‌اند. بسیاری از اهل لغت، سیره را طریقه، هیئت و حالت (ابن فارس، ۱۳۸۹ق، ج ۳: ۱۲۱) و برخی دیگر نیز، «نوع روش» و نه روش معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۴۵۴؛ زبیدی، ۱۳۰۶ق، ج ۳: ۲۸۷؛ ابن مالک، ۱۳۴۸ق: ۴۱)، اما از آنجا که دستیابی به نوع روش اهل بیت (علیهم السلام) به معنای استخراج قوانین و اصول حاکم بر رفتار ایشان، فرایندی چند مرحله‌ای و مطالعه عمیق تاریخی را می‌طلبد، از این روی در نوشتار حاضر، معنای حداقلی از «سیره» مدنظر قرار گرفته که همان مفهوم «روش» است. نکته دیگر اینکه ملاک این پژوهش از مفهوم سیره، جمع بین ادله روایی و افعالی معصوم است.

۲-۲. مهندسی فرهنگی: مهندسی فرهنگی به معنای تدبیر کردن و سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه کردن امور و شئون از نوع فرهنگی و با معیارهای فرهنگی و از زاویه فرهنگ است. این مقوله تفاوت‌هایی با مقوله «مهندسی فرهنگ» نیز دارد. در مقوله مهندسی فرهنگ، آنچه متعلق مدیریت و مهندسی قرار گرفته، فرهنگ است. به عبارت دیگر، فرهنگ است که باید سامان یابد و جهت پیدا کند؛ اما مقوله مهندسی فرهنگی تعبیری است پدید آمده از یک ترکیب وصفی که به معنای تدبیر کردن و سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه

(رضا مهرزاد)

کردن امور و شئون از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و از زاویه فرهنگ است. در مقوله مهندسی فرهنگی علاوه بر فرهنگ، همه شئون و مقوله‌های مختلف اجتماعی را می‌توان متعلق تدبیر و مهندسی دانست. مانند امور مربوط به جامعه، حکومت و ... (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۶: ۴-۱۳). لذا در یک عبارت و تعریف کلی می‌توان گفت مهندسی فرهنگی به معنای ترسیم نقشه راه و برنامه‌ریزی در شئون مختلف جامعه با رویکرد فرهنگی است.

۲-۳. **شناخت و حوزه شناختی:** واژه شناخت در نگاه برخی متفکران، با مفاهیمی همچون علم، آگاهی، دانستن و فهمیدن، در یک راستا قرار گرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۴). شناخت، عالی‌ترین سطح پردازش اطلاعات است (برونو، ۱۹۸۸: ۲۷۴) و حوزه شناختی، ساحتی برای بروز کارکردهایی مانند ادراک، معناسازی، ارزیابی گزینه‌های بدیل و تصمیم‌گیری درباره یک راهکار است. بخشی از این فرایند متکی بر استدلال هشیار (قلمرو تعقل) و بخشی دیگر بر پایه مدل‌های نیمه‌هشیار (قلمرو باور) انجام می‌گیرد (محمدی نجم، ۱۳۹۷: ۱۶۸). حوزه‌ای که عرصه تشکیل، پردازش و تثبیت افکار، تصمیمات و گرایش‌های آدمی بوده و در عین حال که ساحتی فکری، اندیشه‌ای، ذهنی و نرم‌افزاری دارد، اما در ارتباط با محیط پیرامونش بوده و نمی‌توان آن را فارغ از حوزه بیرونی بررسی کرد (هاچینز، ۱۳۸۸: ۳ و ۴). به بیانی دیگر، میان حوزه شناخت و حیات اجتماعی و محیط پیرامونی انسان، ارتباط و آمیختگی غیرقابل انفکاک وجود دارد. لذا در مطالعات مربوط به حوزه شناخت، همواره متغیرهای فکری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، زیستی و ... در کانون توجه قرار دارد. با مطالعه مجموع تعاریف پیرامون این مفهوم، می‌توان گفت: «شناخت به فرایند کسب، سازمان‌دهی و استفاده از معلومات ذهنی» اطلاق می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۶: ۸۲).

۲-۴. **جنگ شناختی:** جنگ شناختی به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه با هدف تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل یافته‌تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر عملیات روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای با زیرساخت رسانه‌های نوین است و با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد (مرادی، ۱۳۹۹: ۹).



شکل ۱: معانی مختلف ترکیب

جنگ و شناختی (کدخدایی، ۱۴۰۲: ۲۵۹)

به بیانی دیگر، جنگ شناختی عبارت است از استفاده بین رشته‌ای از فناوری و شناخت فرایندهای طبیعی مغز برای تأثیرگذاری بر افکار و رفتارها (سیلور اشتاین، ۱۳۹۹: ۱۰۸). این جنگ یک استراتژی است که بر تغییر نحوه فکر مردم هدف و نحوه پیاده‌سازی آن تمرکز دارد (برنال، ۱۴۰۲: ۳۰). به عبارت دیگر، کاربران شناختی در این نوع از مواجهه با دستکاری اندیشه‌ها از طریق ابزارهای اطلاعاتی، رفتار جامعه هدف را به خدمت خود در می‌آورند (بکش و سوآب، ۱۴۰۴: ۲۶).

جدول ۱: قلمروشناسی جنگ شناختی

(برنال، ۱۴۰۲: ۳۱)

جنگ شناختی	جنگ اطلاعاتی	جنگ سایبری	جنگ الکترونیک	جنگ روانی	مشخصه
*	*	*			استفاده از گرایش و اطلاعات گسترده
*				*	تأثیرگذاری بر افکار و رفتار
*		*			ظرفیت برای دسترسی عمومی
*	*		*	*	گرایش به انتشار اطلاعات

### ۳. سیره اهل بیت (ع) در مهندسی فرهنگی

فرهنگ به‌عنوان مقوله‌ای مشتمل بر امور غیرمادی، ذهنی و شناختی، با جامعه و نظامات آن، ارتباط دو سویه دارد. بدین معنا که از یک سو فرهنگ و نظام فرهنگی نهادها و ارزش‌های یک جامعه را در اختیار می‌گذارد و از سوی دیگر جامعه نیز به مانایی، پویایی و انتقال ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم (به‌عنوان ارکان نظام فرهنگی) یاری می‌رساند. از این رهگذر یکی از مهم‌ترین اقداماتی که رهبران فکری جوامع، خود را در زمان بروز و ظهور خلأهای فکری و فرهنگی ملزم به آن می‌دانند، مهندسی فرهنگی جامعه است.

همان‌طور که می‌دانیم با روی کار آمدن امویان، صدمات فرهنگی بسیاری متوجه جامعه اسلامی شد؛ صدماتی که در ابعاد و شئون مختلف اجتماعی موجب بروز شکاف‌های فکری و عقیدتی در میان امت اسلامی گردید. در مقابل، اهل بیت (ع) که پاسداران حقیقی تجربه دینی و اسلام ناب بودند، ضمن تلاش برای مهار کجروی‌های به‌وجود آمده در جامعه اسلامی، به ژرف‌سازی فکری و عقیدتی امت پرداختند. «دوری از تعالیم اسلامی»، «ترویج فرهنگ ابتذال در جامعه»، «ایجاد خفقان شدید سیاسی اجتماعی علیه مخالفان» و «قومیت‌گرایی عربی» را می‌توان از جمله چالش‌های مشترک فکری و فرهنگی در ادوار مختلف حکومت اموی به حساب آورد. از این رو، ائمه (ع) با توجه به شکاف فکری و فرهنگی به‌وجود آمده در محیط جامعه، مهندسی فکری و فرهنگی را به‌عنوان یکی از تاکتیک‌های اصلاحی خود برگزیدند؛ تاکتیکی که می‌تواند به‌مثابه عاملی مداخله‌گر، به مقابله با تفکر و گفتمان حاکم بر جامعه بپردازد و ضمن حمله به پایه‌های فکری جریان رقیب، به جهت‌دهی شناختی توده‌های مختلف مردم بر مبنای مبانی معرفتی خود اقدام کند. در ادامه به یکی از محوری‌ترین اقدامات اهل بیت (ع) در این زمینه اشاره می‌کنیم.

#### ۳-۱. کادرسازی فکری و فرهنگی در جنگ شناختی

یکی از مهم‌ترین مسائل ضروری در مهندسی فکری و فرهنگی در یک جامعه، تربیت نیروی انسانی است. مسئله‌ای که به جهت محوری بودن آن، موضوعات مرتبط با آن

مانند ایجاد زیرساخت‌ها، تربیت، آموزش و به‌کارگیری نیروهای فکری نیز لازم است مورد توجه جدی رهبران فکری قرار گیرد؛ چراکه میزان موفقیت و گستره فعالیت و نفوذ جنگ شناختی در جوامع، ارتباط مستقیمی با تعداد (کمیت) و توانایی (کیفیت) نیروهای درگیر در این عرصه دارد. از این رو، امامان شیعه پس از رحلت پیامبر ﷺ و انحراف در مسیر رهبری جامعه، به فراخور فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار داشتند به مسیر تربیتی و کادرسازی خود ادامه دادند. سیاستی که توانست شبکه گسترده فکری و فرهنگی در جامعه به راه بیندازد. شبکه‌ای مملو از تربیت یافتگان مکتب امامت الهی که توانستند بازوی بسیار قدرتمندی برای جریان امامت در مواجهه با انحرافات شناختی به وجود آمده در جامعه اسلامی باشند. ناگفته نماند که با گسترده شدن ظرفیت تربیت یافتگان و مدیریت صحیح آن‌ها توسط جریان امامت، شیعه توانست در دوره‌های بعدی سازمان وکالت را تأسیس کند و به شکل تشکیلاتی تری به فعالیت‌های خود ادامه دهد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین راه‌کنش‌های اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه اشاره می‌کنیم.

### ۳-۱-۱. تامین پیش‌نیازهای شناختی

یکی از مهم‌ترین ارکان کادرسازی فکری، تامین پیش‌نیازهای شناختی است. بدون شک همسوسازی و همراهسازی جامعه یا گروه هدف از نظر فکری، ذهنی و نظری امری چند بعدی و ترکیبی است. یعنی بایستی ابعاد مختلف تربیت انسان، نیازهای آن، عوامل موثر و دخیل و... شناسایی شوند و در مرحله بعد به تناسب و ترتیب اولویت و اهمیت، راهکار مناسب برای مدیریت و تأثیرگذاری به کار گرفته شود. در ادامه به برخی از موارد شاخص در زمینه تامین پیش‌نیازهای شناختی اشاره می‌کنیم.

#### یک. نگرش مسئولانه و ارتباط عاطفی

احساسات یا به عبارت دیگر، بُعد عاطفی وجود انسان، بخشی ذاتی از تصمیم‌گیری‌های عقلانی اوست و کارکردهای شناختی مهمی در ارزیابی، کنترل و عمل او دارد. به تعبیر دیگر، قضاوت و تصمیم‌گیری افراد هم فرایندی احساسی و هم شناختی است (ر.ک: تاگارد، ۱۳۹۹: ۲۲۴-۲۱۰). از این رو، اتخاذ رویکرد نگرش مسئولانه و پدران و ارتباط عاطفی

(رضا مهرزاد)

با جامعه یا گروه هدف، می‌تواند نقش بسزایی در برقراری ارتباط دوسویه میان نیروی انسانی و رهبر فکری جریان داشته و عاملی مهم در همسوسازی و همراه سازی آنان با او و با اهداف و برنامه‌هایش باشد. می‌توان این مقوله را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیش‌نیاز در رهبری جنگ شناختی دانست؛ مقوله‌ای که جایگاهی ویژه در سیره نظری و عملی اهل بیت (علیهم السلام) داشت (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۱۶). ایشان همواره به حلقه اصلی اطرافیان خود توصیه می‌کردند که مهربانی با مردم را پیشه خود سازند، از در رأفت و عطوفت با آنان مواجه شوند و همواره این نکته را مد نظر داشته باشند که «مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳: ۴۲۷). لذا امیرالمومنین (علیه السلام) در توصیه به یکی از نیروهای تربیت شده در مکتب امامت فرمود: بال‌های محبت و حمایت را برای آن‌ها (یعنی مردم به عنوان جامعه هدف در طرح تربیتی امام) بگستران و در برابر همه متواضع باش، چهره خویش را برای آن‌ها گشاده دار (و نسبت به همه خوب برخورد کن) مساوات را در میان آن‌ها حتی در نگاه‌ها و مشاهده با گوشه چشم رعایت نما (سید رضی، ۱۴۱۴، نامه ۲۷: ۳۸۳). جریان معروف نحوه برخورد امام حسن (علیه السلام) با مرد شامی که تحت تأثیر تهاجم فکری و فرهنگی امویان قرار گرفته بود نیز در این زمینه قابل استناد است. برخورد پدران امام توانست ذهنیت فرد را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) و جریان حق به کلی تغییر و وی را از محبان امام قرار دهد (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۳۷۴-۳۷۵).

#### دو. ترسیم و تقویت زیرساخت‌های شناختی جامعه

یکی دیگر از مقوله‌های مهمی که پرداختن بدان ذیل مسئله تأمین پیش‌نیازها بسیار مهم به نظر می‌رسد، تقویت زیرساخت‌ها و مبانی شناختی گروه یا جامعه هدف است. در واقع، این اقدام به نوعی زیربنایی‌ترین، عمیق‌ترین، ماندگارترین و آینده‌نگرانه‌ترین اقدام در جریان کادر سازی است. رهبران و کاربران جنگ شناختی، با اتخاذ این رویکرد می‌توانند سطح شناخت و آگاهی مخاطبان هدف را افزایش دهند و از این مسیر آن‌ها را در برابر تهاجمات فکری و شناختی دشمن واکسینه کنند. لذا یکی از مهم‌ترین

توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام)، توصیه به کسب شناخت و معرفت در مسائل مختلف است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۲۶۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۶۸). امامان شیعه (علیهم السلام) به پیروی از سیره و سنت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)، همواره همگان را به کسب معرفت و شناخت صحیح ترغیب و تشویق نموده و سطح شناخت، معرفت و آگاهی را به عنوان معیار و سنجه مقام و ارزش انسان می دانستند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۲۰۳).

اما نکته جالبی که در میان روایات مربوط به اهمیت شناخت به چشم می خورد «ماهیت وحدت آفرین» شناخت درست و ظرفیت ایجاد «رشد اجتماعی جمعی» توسط آن است (سید رضی، ۱۴۱۴ق؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸). به عبارت دیگر، ایجاد رشد و وحدت معرفتی و شناختی در میان مخاطبان هدف را می توان یکی از مهم ترین کارکردها و برایندهای تقویت زیرساخت های شناختی جامعه تلقی کرد. مطالعه احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) نقشه راه جامعی در این ترسیم و تقویت زیرساخت های شناختی جامعه در اختیار همگان قرار می دهد. از جمله موضوعات مطرح شده در روایات در این خصوص عبارت است از: «تقویت خودشناسی» به عنوان سودمندترین (تمیمی، ۱۴۱۰ق: ۷۱۲) و بهترین (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۸۴) نوع شناخت، «زمانه شناسی» به عنوان مشی خردمندانه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۱۹۱)، «راهبرشناسی» (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۹۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۵۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۹۶) و شاخصه سازی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۸۹) برای تشخیص حق (ر.ک: بصیری، ۱۳۸۰: ۹ - ۳۰)، «مخاطب شناسی آگاهانه» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۲۴)، «دشمن شناسی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۱۷۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۹۰) شاخصه سازی و مصداق شناسی (ثقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۷؛ صحیفه، ۱۳۷۶: دعای ۴۸؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۰۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۲۸۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۹).

### سه. صداقت و شفافیت

یکی دیگر از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شناختی در کادرسازی و تربیت نیرو، مواجهه صادقانه، شفاف و بدون ابهام رهبران فکری است که خود عاملی مهم در جهت مصون‌سازی فرایند شناخت و تشویش اذهان کاربران تربیتی شناختی می‌شود. به عبارت دیگر، فرض اصلی در پیشبرد صحیح مهندسی فکری و فرهنگی، صداقت و شفافیت یا به عبارت کلی‌تر، رعایت اخلاق است. از جمله ویژگی‌ها و امتیازات برجسته در سیره معصومین (علیهم السلام) رعایت اخلاقیات در هر عرصه‌ای و مواجهه صادقانه و بدون ابهام در موضوعات مختلف اجتماعی است. اهل بیت (علیهم السلام) در میدان‌های مواجهه با مخالفان، علاوه بر حدود شرعی و عرفی، پاره‌ای از حد و مرزهای اخلاقی را نیز ترسیم و نیروهای تربیتی خود را به رعایت آن سفارش می‌کردند (منقری، ۱۴۰۳: ۱۴۰۴). این مسئله علاوه بر جنگ سخت، در جنگ شناختی و نرم نیز قابل تسری است. حتی در زمینه اخیر، رعایت مسئله اخلاق شاید ضرورت بیشتری نیز داشته باشد، چراکه در کارزار شناختی، هدف نهایی جبهه حق، ایجاد شناخت و معرفت صحیح برای مخاطب یا جامعه هدف است. در چنین شرایطی اگر مردم به شما شک داشته باشند که شاید فریبکارانه برخورد کنید، از همان لحظه اعتمادشان از شما سلب می‌شود. از این رو امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مواجهه خود با جنگ شناختی امویان، زمانی که برخی سیاست معاویه را پسندیده و برای «کاهش تنش‌ها» امام (علیه السلام) را توصیه به خویشتن‌داری و «مسامحه» با معاویه می‌کردند، در پاسخ فرمود: به خدا سوگند معاویه از من سیاست‌مدارتر و زیرک‌تر نیست؛ او نیرنگ می‌زند و مرتکب انواع گناه می‌شود (سیاستش بی‌قید و شرط است و هر کار خلافی را برای پیشبرد اهداف سیاسی خود مجاز می‌شمرد). اگر غدر و خیانت ناپسند نبود من سیاست‌مدارترین مردم بودم (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۰۰: ۳۱۸) سیره ائمه (علیهم السلام) دیگر همچون امام حسن (علیه السلام) نیز به همین ترتیب بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۹۱). لذا وقتی رویکرد آن مردم فریب‌خورده را در قبال پذیرش حق مشاهده کرد، ضمن بیان هشدارهایی درباره این تصمیم و انتخاب غلط و آینده شومی که بر اثر آن در انتظارشان بود، همه چیز را به خودشان وا گذاشت (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳: ۴۰۶).

### چهار. پیشگیری از ارزیابی اشتباه

پیشگیری از ارزیابی اشتباه مخاطبان هدف، یکی دیگر از راه کنش‌هایی است که ذیل پیش‌نیازهای شناختی کادرسازی و تربیت نیرو قابل طرح و بررسی است. توضیح اینکه در زمان فتنه، فرایند ادراک و شناخت افراد و نیروها بیش از دیگر زمان‌ها دچار آسیب و انحراف می‌شود. این وضعیت می‌تواند در نهایت به انحراف در تصمیم‌گیری و رفتارهای نیروهای تحت آموزش منجر شود. از این رو، یکی از اقداماتی که می‌توان به وسیله آن مانع بروز فتنه شد، اقدام به از میان برداشتن زمینه‌های سوءتفاهم و انحراف شناخت است. نمونه بارز این اقدام را در سیره امیرالمومنین (علیه السلام) می‌توان مشاهده کرد. آنجا که جبهه باطل اموی تمام سعی خود را در مقصر جلوه دادن امام در ماجرای قتل عثمان کرد. آن حضرت علاوه بر اینکه مکرر بر نقش نداشتن خود در ماجرای قتل عثمان تأکید می‌کرد (منقری، ۱۴۰۳: ۸۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۷۹)، پس از قتل عثمان نیز حاضر به پذیرش خلافت از جانب معترضان نشد (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۱۴۱۴، خطبه ۹۲: ۱۳۶) و بعدها نیز وقتی با اصرار توده‌های مختلف مردم مواجه شد، شرط بیعت را علنی و همگانی اعلام کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۱۰). امام (علیه السلام) حتی در مواردی از اصحاب و همراهان‌شان در جهت آگاه‌سازی اجتماعی استفاده می‌کرد (منقری، ۱۴۰۳: ۹۲).

### ۳-۱-۲. تربیت و آموزش در عصر امامان معصوم (علیهم السلام)

حوزه شناختی راجع به تفکر انسان است؛ جایی که انسان‌ها اطلاعات و دانش را برای فهم بیشتر جمع‌آوری می‌کنند یا از طریق آن به موقعیت‌ها معنا می‌بخشند که در نهایت منجر به شکل‌گیری افکار و اعمال آن‌ها می‌شود (مقدم‌فر و آهویی، ۱۴۰۰: ۹۰). لذا گام مهم بعدی، پس از زمینه‌سازی فکری و مهیا کردن پیش‌نیازهای شناختی، تربیت و آموزش نیروی انسانی متعهد است. مسئله‌ای که از محوری‌ترین امور در عملیات شناختی بوده و مدیریت صحیح آن می‌تواند نقش بسیار بالایی در اجرای سیاست‌گذاری‌ها و پیشبرد اهداف رهبران فکری جامعه داشته باشد. علاوه بر این، ظرفیت و جایگاه نیروهای تعلیم یافته، به عبارت دیگر میدان نفوذ آن‌ها می‌تواند در اثرگذاری شناختی بر توده‌های مردم

نیز نقش بسزایی ایفا کند.

لذا این نکته مهم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است. همان طور که می دانید باورهای مرتبط با دین اسلام، صرفاً ایده‌هایی انتزاعی نیستند، بلکه از طریق روشی عینی و ملموس و به واسطه سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) عرضه شده‌اند (مظفر اقبال، ۱۳۹۳: ۱۱۲). مسیری که پس از ایشان توسط دیگر معصومان (علیهم السلام) دنبال شد. به عبارت دیگر، نظام آموزشی اسلام که توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بنیان گذاری شده بود توسط اهل بیت (علیهم السلام) تداوم یافت. جریان امامت در سخت‌ترین شرایط سیاسی و اجتماعی به تقویت نظام آموزشی خود همت گماشت و با مشارکت حداکثری شیعیان زمینه استقلال و هویت بخشی آن را نیز فراهم آورد. به بیانی دیگر بر پایه مبانی نظام فکری اسلام، نظام تعلیمی تربیتی مستقلاً توسط معصومان (علیهم السلام) طراحی شد که ضمن عبور جامعه اسلامی از بحران‌های معرفتی و شناختی، موجب تمایز بخشی آن از رهن‌های معرفتی دیگر نیز گردید (ر.ک: یاوری سررختی، ۱۴۰۲: ۳۵-۴۶). لذا به‌رغم وجود کاستی‌های پژوهشی در این زمینه، داده‌های تاریخی بسیاری حکایت از اهتمام جدی دستگاه امامت نسبت به مسئله تعلیم و تربیت دارد.

در ذیل با تفکیک هر دوره از عصر حضور معصومان، گزارشی اجمالی از ماحصل این تکاپوی فکری و فرهنگی را ارائه می‌کنیم.

### یک. عصر سه امام اول شیعه

پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شیعیان افزون بر وصایت، بر مرجعیت علمی، دینی و سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) تأکید داشتند. امام علی (علیه السلام) در این دوره به تربیت و آموزش جامعه ایمانی همت گماشت. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: پس از نماز صبح، هنگام طلوع خورشید تهیدستان، مستمندان و دیگر اقشار جامعه نزد علی (علیه السلام) جمع می‌شدند و ایشان به آنان فقه و قرآن می‌آموخت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۰۹).

تربیت یافتگان مکتب امامت در این دوره و دوره‌های بعدی، توانستند بازوی بسیار

قدرتمندی برای جریان امامت در مواجهه با انحرافات شناختی به وجود آمده در جامعه اسلامی باشند. یکی از چهره‌های شاخص تربیت یافته مکتب امام، جناب ابوذر است که مردم را به سوی اهل بیت (علیهم السلام) فرا می خواند و خطاب به مردم چنین می گفت: ای مردم! اهل بیت محمد (علیهم السلام) خاندان نوح، آل ابراهیم، برگزیده سلاله اسماعیل و عترت طیبه اند، آنان را به منزله سر از جسد بلکه دو چشم سر بدانید... ای امتی که پس از رسول متحیر مانده اید. اگر کسی را که خدا مقدم داشته بود مقدم می داشتید و کسی را که خدا موخر داشته بود، موخر می داشتید و ولایت و وراثت را در اهل بیت پیامبران می نهادید، از همه نعمت‌ها، از هر سو بهره مند می شدید (یعقوبی، ج ۲: ۱۷۱). سلمان نیز مانند ابوذر وقتی می دید مردم از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بهره نمی جویند، چنین سخن می گفت: به خدا سوگند پس از او هیچ کس شما را از اسرار پیامبران آگاه نخواهد کرد (بلادری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۸۳). عمار هم روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به مردم یادآور می شد. مانند این روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود: به کسی که به خدا ایمان آورد و با ولایت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) مرا تصدیق نماید، این چنین توصیه می کنم: کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد خدا را دوست می دارد (بکار، ۱۴۱۶ق: ۳۱۲). این سخنان و موارد مشابه دیگر آن حکایت از تربیت نیرو و کادرسازی در همان دوره آغازین امامت الهی پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نشر تفکر جریان حق در بین مردم جامعه را دارد. از دیگر تربیت یافتگان امام (علیه السلام) می توان به نام این افراد اشاره کرد: ابوالاسود دوتلی، جابر بن عبدالله انصاری، اصبع بن نباته، میثم تمار، عبدالله بن عباس اشاره کرد. برخی از آن‌ها در بعضی از علوم، صاحب نام و کتاب بوده و کرسی درس داشتند. نکته دیگر اینکه امام (علیه السلام) علاوه بر این که خود به امر آموزش مشغول بود، والیان و کارگزاران خود را نیز به این مهم ماموریت می داد و از آن‌ها درخواست کرد به امر آموزش مردم همت گمارند. در نامه ایشان به فرماندار مکه چنین آمده است: در بامداد و شامگاه مجلس علم برپا کن و مردم را تعلیم ده، به سؤالاتشان پاسخ بده و با دانشمندان آن‌ها به گفت‌وگو بپرداز (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۷: ۴۵۷).

پس از امیرمؤمنان (علیه السلام)، مرجعیت علمی، دینی و سیاسی در امام حسن (علیه السلام) تجسم یافت.

(رضا مهرزاد)

ایشان در برابر تهاجم شناختی گسترده جریان باطل، به ترویج ارزش‌های اسلامی اهتمام داشتند. پس از جریان صلح تحمیلی و بازگشت به مدینه نیز همین مسیر را ادامه دادند و با وجود شرایط نامناسب به پرورش شاگردان، آموزش و نشر فرهنگ اسلامی پرداختند. اسامی برخی از شاگردان امام حسن (علیه السلام) در منابع عامه و شیعه وجود دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۴۰) از جمله: ابورافع، کمیل، مسلم ابن عقیل، اصبع ابن نباته، عبدالله ابن جعفر ابن طیار، احنف ابن قیس، حبه ابن جویین، حجر بن عدی، سلیمان بن سرد، عمرو بن حمق خزاعی و... امام حسین (علیه السلام) نیز همین مسیر را ادامه دادند (یاوری سرتختی، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۰).

#### دو. عصر امام سجاد (علیه السلام)

پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، مرجعیت دینی و علمی جامعه ایمانی به امام سجاد (علیه السلام) رسید. دوره امامت امام زین العابدین (علیه السلام) مصادف شده بود با دورانی که بسیاری از ارزش‌های دینی دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته بود. از شاخصه‌های علمی و فرهنگی این دوره، استمرار منع نگارش و نقل سیره نبوی، انحراف مردم از مسیر حقیقی اسلام، مرجعیت‌سازی‌های کاذب عالمان درباری، رشد عقاید و فرق انحرافی و دور شدن مردم از اهل بیت (علیهم السلام) بود. در این شرایط امام سجاد (علیه السلام) تمام سعی خود را برای ادامه حیات فکری شیعه و استمرار مسئله تربیت و آموزش نیروی فکری و فرهنگی به کار بست. ایشان علاوه بر آن که جلسات منظم آموزشی برگزار کرد، در حوزه‌های مختلف علمی مانند فقه، تفسیر، حدیث، فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق حوزه درسی دایر کرد. آن حضرت هر روز جمعه جلسه سخنرانی عمومی برگزار می‌کرد و به انتقال معارف به مردم می‌پرداخت. عبدالله محض می‌گوید: مادرم فاطمه مرا به حضور در جلسات دایمی امام سجاد (علیه السلام) تشویق می‌کرد و در هر جلسه‌ای که می‌رفتم بر خدا ترسی و علمم افزوده می‌شد (قرشی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۲۶۳-۲۶۴). در این دوره، شاگردان میرزی با کسب علم در محضر امام سجاد (علیه السلام)، اساس مدرسه فقهی و تفسیری فعالی را بنیان نهادند. در این میان می‌توان به قاسم بن محمد بن ابی بکر، ابو خالد کابلی، یحیی بن ام‌طویل، سعید بن جبیر، ابو حمزه ثمالی و حرمان

بن‌اعین اشاره کرد. تربیت این افراد توانست نقش بسزایی در نگارش میراث مکتوب شیعه و نشر معارف ناب اسلام اصیل ایفا کند (ر.ک: یاوری سرتختی، ۱۳۹۶: ۵۳ - ۵۲).

اما نکته درخور توجه دیگری که نباید از آن غافل بود، توجه ویژه جریان امامت به ظرفیت بالای تربیتی بردگان و کنیزان و آموزش آن‌ها بود. قشری که همواره مورد طعن، اهانت، شدیدترین فشارها و محدودیت‌های اجتماعی قرار داشتند. به عبارت دیگر با توجه به خفقان شدید حاکم در این دوره، اهتمام به مسئله آموزش و تربیت بردگان فرصت بی‌نظیری را در اختیار جریان امامت قرار داده بود. امام سجاد (علیه السلام) مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بسیار کوشید تا حیثیت اجتماعی این قشر محروم را افزایش و آن‌ها را به سمت جریان حق سوق دهد. آن حضرت در حالی که نیازی به بردگان نداشت، آن‌ها را می‌خرید. این خریدن تنها برای آزاد کردن آن‌ها نبود. گفته‌اند امام (علیه السلام) هزاران نفر را از این طریق آزاد ساخت. بردگان که چنین نیتی را از امام (علیه السلام) می‌دیدند، خود را در معرض او می‌نهادند تا امام (علیه السلام) آن‌ها را بخرد. امام سجاد (علیه السلام) در هر ماه و سالی به آزادی آن‌ها می‌پرداخت؛ به طوری که در شهر مدینه عده‌ی زیادی همچون یک لشکر از موالی آزاد شده از زن و مرد به چشم می‌خورد که همگی موالی امام بودند (جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۲۷). لذا نقل کرده‌اند روزی امام (علیه السلام)، زمان خارج از شدن از مسجد با توهین شخصی مواجه شد. در این هنگام موالی ایشان به سمت آن شخص هجوم بردند، اما حضرت، آن‌ها را از این کار بازداشت (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۱۰۱).

همین بردگان بودند که پس از مدتی از مروجان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) شده و معارف ایشان را به دیگران منتقل می‌کردند. از این رو، افراد تربیت‌یافته‌ای را در مکتب تربیتی امام سجاد (علیه السلام) می‌بینیم که از شیعیان برجسته و محدثان نامدار به حساب می‌آیند. حتی نوادگان برخی از آن‌ها نیز در همین مسیر طی طریق کردند. یکی از این موالی حماد بن مهران ملقب به مولی‌علی ابن‌الحسین (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۸ و ۷۷) است. او در جریان آشنایی با امام سجاد (علیه السلام) شیعه شد. یکی دیگر از این افراد شخصیت بزرگی به نام ابوحمزه ثمالی است که به گفته امام صادق (علیه السلام)، سلمان زمان خودش به حساب می‌آمد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۱۵). فرزندان او در جریان قیام زید بن علی به شهادت رسیدند. خودش نیز از معتمدان و

(رضا مهرزاد)

ثقات حدیث بوده و روایات فراوانی از طریق او به نقل از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۳۵-۳۳۶؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۹ و ۴۳ و ...). او سخنان امام (علیه السلام) را می‌نگاشت و پس از عرضه به آن حضرت و اخذ تایید از جانب ایشان، ثبت می‌نمود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۰-۲۰۱). ثابت ابن هرمز نیز از موالی و از اصحاب و محدثان شیعه به حساب می‌آید. او مجموعه‌ای از احادیث امام سجاد (علیه السلام) را نقل کرده است که توسط پسرش بعدها به محدثان بعدی رسید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۱۶-۱۱۷). از دیگر این تربیت‌یافتگان حمران بن اعین، از مشایخ شیعه است. بنا به ادعای نویسنده رساله ابی غالب زراری، او با امام سجاد (علیه السلام) دیدار داشته است (زراری، ۱۳۶۹: ۱۱۳). دیداری که می‌توان گفت خاندان زراره را با خاندان امامت آشنا کرد و آن‌ها را از مریدان و ارادت‌مندان خاندان اهل بیت (علیهم السلام) ساخت.

این‌ها گوشه‌ای از تلاش‌های امام سجاد (علیه السلام) در مسیر تربیت نیرو و کادرسازی فکری و فرهنگی است. این مجاهدت‌ها موجب شد غربت آن امام در ابتدای شهادت امام حسین (علیه السلام) تبدیل به شرایطی شود که طبق نقل تاریخ در زمان شهادت ایشان هیچ انسان صالح یا فاجری در شهر مدینه باقی نمانده بود، الا اینکه در تشییع جنازه ایشان شرکت کرد (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶: ۱۵۰).

### سه. عصر امامین صادقین (علیهم السلام)

سیاست تربیت و آموزش نیرو در عصر دو امام بعدی شیعه نیز دنبال شد. در این دوره با توجه به تلاش‌های بی‌وقفه امامان قبلی و فراهم آمدن شرایط خاص اجتماعی، مسئله تربیت شتاب بیشتری گرفت و به سمت تخصصی‌تر شدن آموزش‌ها پیش رفت. امام باقر (علیه السلام) وارث امام سجاد (علیه السلام) در امامت و هدایت مردم بود. از این رو علما و اندیشمندان تمام بلاد اسلام از هر سو به خدمت ایشان می‌رسیدند و کسی از مدینه دیدن نمی‌کرد جز اینکه به محضر ایشان شرفیاب می‌شد و از علم بی‌پایان آن حضرت بهره می‌برد (ابوزه‌هره: ۲۲). روزی هشام از اطرافیانش پرسید: این کیست که مردم عراق او را در میان گرفته و مشکلات علمی خود را از او می‌پرسند؟ گفتند: او پیامبر کوفه است. خود را پسر رسول خدا، شکافنده علم و مفسر قرآن می‌داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج

۴: ۱۹۸). امام باقر (علیه السلام) تلاش‌های بسیاری در راستای تربیت، آموزش و کادرسازی نیرو انجام داد. جابر بن یزید جعفی، حمران و زراره ابن اعین، عبدالله بن شریک، برید بن معاویه عجلی و بسیاری دیگر از جمله تربیت‌یافتگان مکتب امامت در این دوره‌اند (مفید، ۱۳۴۱ ق: ۸). شخصیت‌های بی‌نظیری که شناخت و معرفت عمیقی نسبت به جریان حق و خاندان اهل بیت (علیهم السلام) داشتند. محمد ابن مسلم از جمله این افراد است (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۲۳۸). وی می‌گوید: درباره هر چیزی دچار تردید شدم آن را از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم. از آن حضرت ۳۰ هزار حدیث و از امام صادق (علیه السلام) ۱۶ هزار حدیث پرسیدم (مفید، ۱۳۴۱ ق: ۲۰۱). از دیگر تربیت‌یافتگان مکتب امامت در این دوره ابان ابن تغلب است. شخصیتی که امام باقر (علیه السلام) به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین، به مردم فتوا بده، دوست دارم که امثال تو در شیعه دیده شود. کسی که امام صادق (علیه السلام) پس از مرگش فرمود: خبر مرگ او قلبم را به درد آورد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۰).

وجود این افراد در عرصه جامعه آن قدر موثر افتاد که امام صادق (علیه السلام) درباره برخی از آن‌ها فرمود: احادیث پدرم را کسی جز زراره و ابوبصیر مرادی و محمد ابن مسلم و برید بن معاویه از خطر محو و اندراس حفظ نکرد. اگر این‌ها نبودند، کسی هدایت نمی‌یافت. این‌ها حافظان دین و مورد اعتماد پدرم بر حلال و حرام الهی هستند. این‌ها در دنیا و آخرت به سوی ما سبقت گرفته‌اند (مفید، ۱۳۴۱ ق: ۶۶). سیاست تربیت نیرو و کادرسازی، در دوره امام صادق (علیه السلام) با قدرت ادامه پیدا کرد، چراکه در سال‌های آخر حکومت اموی که درگیری شدید بین آن‌ها و عباسیان روی داد، فرصت مناسبی در امر آموزش و تربیت نیرو برای امام به وجود آمد. با گسترده شدن ظرفیت تربیت‌یافتگان و مدیریت صحیح آن‌ها توسط جریان امامت، شیعه توانست در دوره‌های بعدی سازمان وکالت را تأسیس نماید و به شکل تشکیلاتی تری به فعالیت‌های خود ادامه دهد. ضمن اینکه در این دوره نظام فکری شیعه به‌عنوان الگویی کامل از اسلام نبوی شکل منسجم‌تری به خود گرفته و انقلابی در عرصه‌های مختلف علمی پدید آمد تا حدی که در میانه قرن سوم شیعه امامیه را جعفریه نیز می‌نامیدند (دینوری، ۱۹۹۲: ۲۱۵). از این رو، در میان اصحاب تربیت‌یافتگان مکتب امامت در این دوره افرادی بودند

(رضا مهرزاد)

که معصوم (علیهم السلام) آن‌ها را به عنوان مرجع فکری جامعه معرفی می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴: ۳۰۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۴۴).

### ۳-۱-۳. ارزش‌سازی متعالی در سبک زندگی

ارزش در لغت به معنای شایستگی، معیارها و رسوم مورد قبول جامعه (دهخدا، ۱۳۸۵- ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۱۵) و در اصطلاح به معنای «عقاید مشترک اجتماعی درباره آنچه که خوب، درست و مطلوب است» قلمداد می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۰: ۲۲۴). نکته دیگر این که این ارزش‌ها هستند که تجلی بخش هنجارهای اجتماعی قلمداد می‌شوند. به تعبیر دیگر، هنجارها که عوامل تعیین کننده نیرومندی برای رفتارهای ما به حساب می‌آیند (گلشن فومنی، ۱۳۹۲: ۵۵۴)، برخاسته از نظام ارزش‌های هر جامعه یا گروه است (باقری، ۱۳۹۳: ۵۲). از این رو در جنگ شناختی، دشمن با تضعیف ارزش‌های اصیل جامعه و جایگزینی ارزش‌های مادی و غیراخلاقی به دنبال ایجاد تغییر در نظام هنجاری و رفتاری جوامع است؛ چراکه ارزش‌ها ارتباطی دوسویه با نظام باورها و هنجارها دارند و با ایجاد هر گونه خللی در این نظام به راحتی می‌توان هم در نظام باورها و هم نظام هنجارها و رفتارها اختلال ایجاد کرد.

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، جامعه اسلامی با انقلاب در ارزش‌ها مواجه شد. با روی کار آمدن جریان سقیفه، این مسئله تشدید شده و جامعه به سوی ارزش‌هایی در تقابل کامل با ارزش‌های اصیل اسلامی کشیده شد. از این رو یکی دیگر راه کنش‌های شناختی اهل بیت (علیهم السلام) ارزش‌سازی متعالی در سبک زندگی بود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این ارزش‌ها اشاره می‌کنیم.

#### یک. مرجعیت قرآن و سنت

قرآن و سنت معصومان به عنوان دو منبع اصلی الگودهی فکری و رفتاری امت اسلامی بود و می‌توانست عاملی مهم در احیای ارزش‌های فراموش شده جامعه باشد. توصیه‌های بسیاری از امامان شیعه در این خصوص وجود دارد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ن ۵۳: ۴۳۴).

مانند این حدیث تربیتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: بر شما باد به متابعت و پیروی از آثار رسول خدا ﷺ و سیره آن حضرت و پیروی از ائمه هدایت از اهل بیت ایشان، پس هرکس از ایشان پیروی نماید، هدایت یافته و کسی که متابعت از آنان را کنار بگذارد به وادی ضلالت وارد می‌شود؛ چراکه خداوند متعال همگان را امر به اطاعت و پذیرش ولایت ایشان کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷: ۳۸).

### دو. مسئولیت‌پذیری اجتماعی

یکی دیگر از ارزش‌هایی که توسط امامان شیعه مورد توجه و تأکید قرار گرفت، «مسئولیت‌پذیری» در عرصه‌های مختلف جامعه به‌خصوص در مسائل سیاسی و اجتماعی است (ر.ک: حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۸). تعداد بسیار روایات در این زمینه، حکایت از وجود نهضت مستمر تربیتی با هدف آگاه‌سازی اجتماعی دارد، چراکه در صورت توجه همگان به این ارزش‌هاست، که حق در آن جامعه عیان، راه‌های دین‌پدیدار، نشانه‌های عدالت برقرار، سنت نبوی پایدار، امر مردم اصلاح و دشمن از ضربه زدن به این جامعه مایوس می‌گردد (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۲۱۶: ۳۳۲). در غیر این صورت نیز جامعه دچار بلایی همچون بنی‌امیه خواهد شد. اثر این ارزش‌سازی‌ها را می‌توان در شکل‌گیری قیام‌های مختلف علیه دستگاه حکومت اموی و در نهایت زوال آن‌ها مشاهده کرد (مانند: یعقوبی، ج ۲: ۲۳۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۲۱۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۹ ق: ۱۴۵-۱۵۰).

### سه. معنویت‌گرایی

با کنار زدن وارثان اصلی منصب رهبری جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ، تربیت معنوی مردم آن‌گونه که باید پیش‌نرفت و جامعه علاوه بر سکون، در دوره‌هایی حتی به رکود و انحطاط اخلاقی نیز دچار شد (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۶۷). در سایه چنین وضعیت نابسامانی جریان امامت تصمیم به تقویت بنیان‌های معنوی جامعه به وسیله تبیین ارزش‌های دینی گرفت. سیاست آموزشی که با ابزار وعظ، دعا و مناجات دنبال شد و در عصر امام سجاد (علیه السلام) تبلوری ویژه یافت. صحیفه سجادیه مشهور را می‌توان بخشی از این

(رضا مهرزاد)

مجموعه آموزشی تربیتی (دعایی) امام (علیه السلام) نام برد. مجموعه‌های آموزشی دیگری نیز از آن حضرت نقل شده است که تعداد آن‌ها با صحیفه معروف به شش عدد رسیده (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵: ۱۸-۲۱) و حاوی دعا‌های بسیاری در موضوعات مختلف اجتماعی به خصوص اخلاق و معنویت است. البته این تنها اقدام امام (علیه السلام) نبود. ایشان در دوره‌ای به صورت منظم و هفتگی در مسجدالنبی مجلس وعظ برپا کرده و مردم را در امر زهد و تقوا آموزش می‌داد (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۰۳) و برخی از اصحاب نیز این معارف معنوی را یادداشت کرده و با تایید محتوایی آن توسط امام (علیه السلام) مرجع رفتاری آنان قرار می‌گرفت (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۹۹-۲۰۰).

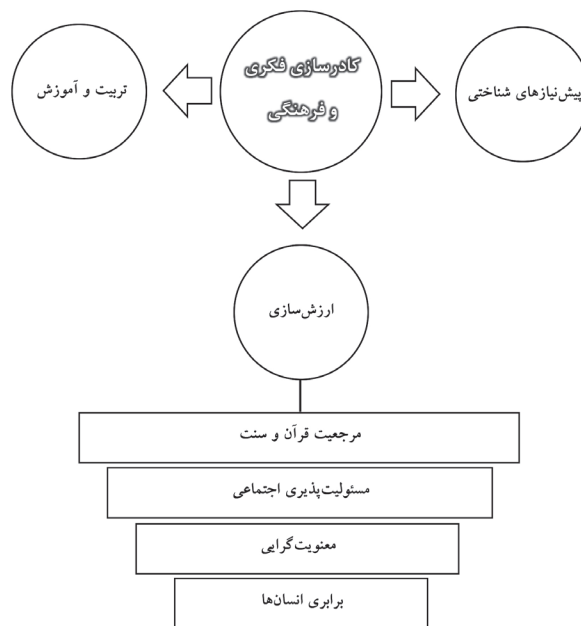
#### چهار. برابری انسان‌ها

قبیله اندیشی و قوم‌گرایی از جمله ارزش‌های به جا مانده از فرهنگ جاهلی عربی بود که توسط امویان تبلیغ می‌شد (شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۲۵) و این برخلاف ارزش‌های برآمده از قرآن (حجرات، ۱۳) و اهل بیت (علیهم السلام) بود. زمانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر سر کار آمد، جامعه، برتری عرب را بر موالی اصل مسلمی فرض کرده بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۶۵). لذا مکتب امامت در جریان مهندسی فکری و فرهنگی جامعه، با این ضدارزش‌ها به مبارزه برخاست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) ملاک رفتار حکومت مرکزی را مبتنی بر همین امر تنظیم کرد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۴۱). امام حسین (علیه السلام) پذیرای شخصیتی آفریقایی و سیاه‌پوست در میان اصحاب عاشورایی اش بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۲۳) و امام سجاد (علیه السلام) هم ابایی نداشت تا به وسیله ازدواج با زنی که رتبه اجتماعی پایینی داشت، مورد مواخذه قرار گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۴۴-۳۴۵).

آموزش و تربیت مبتنی بر همین ارزش‌سازی‌ها، از طرفی منجر به استقبال بی‌نظیر ایرانیان از امامزادگان و اسلام با خوانش شیعی و از طرف دیگر همراهی با جنبش‌های عدالت‌خواهانه علیه خاندان اموی شد.

#### ۴. نتیجه گیری

تأمل در ماهیت سیره معصومان (علیهم السلام) بیانگر این است که پایه و اساس اقدامات ایشان در مواجهه با جنگ شناختی دشمن، فعالیت‌های فکری و تاثیرگذاری بر حوزه شناخت و ادراک جامعه بوده است. یکی از این اقدامات مهندسی فکری و فرهنگی جامعه است که در قالب راه کنش‌های مختلفی از جمله «کادرسازی فکری و فرهنگی» از جانب ایشان دنبال شد. با بررسی داده‌های تاریخی و با رویکرد کل نگر و سبک نگارانه به سیره معصومان (علیهم السلام) می‌توان گفت اهل بیت (علیهم السلام) کادرسازی فکری و فرهنگی را در قالب فرایندی مشخص، در سه محور «تامین پیش نیازهای شناختی»، «کادرسازی فکری و فرهنگی» و «ارزش‌سازی متعالی در سبک زندگی» دنبال کرده‌اند. در واقع، محتوای سیره اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه نشان می‌دهد کادرسازی فکری و فرهنگی مقدمه، متن و پسماتن هم دارد. مقدمه آن، مهیا کردن زمینه‌های مناسب تربیت و آموزش است. متن آن کادرسازی و آموزش و پسماتن آن نیز ورود این آموزش‌ها، به متن زندگی آنان و جامعه است.



شکل ۲: کادرسازی فکری و فرهنگی

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- الصحیفه السجادیه**. (۱۳۷۶). قم: نشر هادی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). **الذریعه**. بیروت: دارالأضواء.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ق). **شرح نهج البلاغه**. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ سوم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، علی. (۱۳۸۵ق). **الکامل**. بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). **أمالی**. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ق). **خصال**. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق). **عیون اخبار الرضا**. محقق و مصحح: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). **معانی الأخبار**. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شهر آشوب، محمد. (۱۳۷۹ق). **مناقب**. قم: علامه.
- ابن فارس، احمد. (۱۳۸۹ق). **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق: محمد هارون. چاپ دوم. مصر: شرکه مکتبه و مطبعه الحلبی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل. (۱۴۰۷ق). **البدایه والنهای**. بیروت: دارالفکر.
- ابن مالک، محمد. (۱۳۴۸ق). **القیه**. قاهره: دارالکتب المصریه.
- ابن منظور، محمد. (۱۴۰۸ق). **لسان العرب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالفرج اصفهانی، علی. (۱۴۱۹ق). **مقاتل الطالبیین**. محقق و شارح: احمد صقر. چاپ سوم. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابوزهره، محمد. (بی تا). **الامام الصادق (علیه السلام)**. بی جا: مطبعه احمد علی نحیمر.
- احمدزاده کرمانی، روح الله. (۱۳۹۰). **بازاندیشی در فرهنگ و رسانه**. تهران: چاپار.
- اربلی، علی. (۱۳۸۱ق). **کشف الغمه**. محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- اقبال، مظفر. (۱۳۹۳). **شکل گیری علم اسلامی**. مترجمان: محمد رضا قائمی نیک، محسن قائمی نیک، حسن آریان، علیرضا قبولی، مهدسی مقدسی، محمد حقانی فضل. تهران: ترجمان علوم انسانی.
- باقری، فریبرز. (۱۳۹۳). «مفهوم شناسی و کارکردهای هنجار». **علوم تربیتی از دیدگاه اسلام**. سال دوم. شماره ۳. صص: ۵۱- ۶۹.
- برنال، آونسو. (۱۴۰۲). **جنگ شناختی: حمله به واقعیت و اندیشه**. مترجم: محمد حسین قربانی زواره. قم: شناخت پژوه.
- برونو، فرانک. (۱۹۸۸م). **فرهنگ توصیفی روان شناسی**. مترجم: طاهری، فرزانه؛ یاسایی، مهشید. چاپ سوم. تهران: ناهید.
- بصری، محمد علی. (۱۳۸۰). «ویژگی های حاکم در سیره نظری و عملی امام علی (علیه السلام)». **هنر دینی**. شماره ۹. صص: ۹- ۳۰.
- بکار، زبیر. (۱۴۱۶ق). **الاخبار الموقیبات**. محقق: سامی مکی العانی. قم: الشریف الرضی.

- بکش، الیور؛ سوآب، اندرو. (۱۴۰۴). **جنگ شناختی**. مترجم: نواب همتیان. قم: شناخت پژوه.
- بلاذری، احمد. (۱۴۱۷ق). **أنساب الاشراف**. محقق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی. بیرو: دارالفکر.
- تاگارد، پاول. (۱۳۹۹). **ذهن: درآمدی بر علوم شناختی**. ترجمه: رامین گلشائی. چاپ هفتم. تهران: سمت.
- تیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). **غورالحکم**. محقق و مصحح: سیدمهدی رجائی. چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- تقی، ابراهیم. (۱۴۱۰ق). **الغارات**. قم: دارالکتب.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). **تاریخ سیاسی اسلام**. چاپ هشتم. قم: دلیل ما.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). **حیات فکری-سیاسی امامان شیعه**. چاپ دوم. تهران: علم.
- حر عاملی، محمد. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. محقق و مصحح: موسسه آل‌البت (علیهم السلام). قم: موسسه آل‌البت (علیهم السلام).
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی. (۱۳۹۵). **الحیة**. چاپ سوم. قم: دلیل ما.
- داوود، محمدجانی؛ فاضلی، امیر. (۱۴۰۳). «نگرشی بر اصول تربیتی آموزشی امامان معصوم (علیهم السلام) با تاکید بر رویه شاگردپروری امام جعفر صادق (علیهم السلام)». **پژوهش و مطالعات علوم اسلامی**. سال ۶. شماره ۶۳. صص: ۱-۹.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵-۱۳۹۰). **لغت نامه**. دانشگاه تهران: موسسه انتشارات و چاپ.
- دینوری، ابن قتیبه. (۱۹۹۲م). **المعارف**. چاپ ششم. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). **اخبار الطوال**. محقق: محمد عبد المنعم عامر. قم: منشورات الرضی.
- رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی؛ ماهیت، مبانی و مسائل». **زمانه**. ش ۵۸.
- زبیدی، مرتضی. (۱۳۰۶ق). **تاج العروس**. بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- زراری، احمد. (۱۳۶۹). **رساله**. محقق و مصحح: محمدرضا حسینی. قم: مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه.
- سید رضی، محمد. (۱۴۱۴ق). **نهج البلاغه**. محقق و مصحح: صبحی صالح. قم: هجرت.
- سیلور اشتاین، ناومی. (۱۳۹۹). «فضای ژئوپلیتیکی جدید در عصر اطلاعات، رویکردی مبتنی بر علم اعصاب شناختی (نوروساینتیفیک) به امنیت ملی». مترجم: محمد خادمی. **مطالعات عملیات روانی "ویژه نامه جنگ شناختی ۱"**. سال پانزدهم. ش ۵۰. صص: ۱۰۷-۱۳۲.
- شاهوردی، مجید. (۱۳۹۸). **تهاجم فرهنگی در عصر امویان**. قم: مرکز تخصصی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۶). «نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام». **معرفت**. ش ۱۱۹. صص: ۸۱-۱۰۰.
- شهیدی، جعفر. (۱۳۹۵). **تاریخ تحلیلی اسلام**. چاپ ۵۴. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). **الإحتجاج**. محقق و مصحح: محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمد. (۱۳۸۷ق). **تاریخ الطبری**. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ دوم. بیروت: دارالتراث.
- طوسی، محمد. (۱۴۱۹ق). **الثاقب**. محقق و مصحح: نبیل رضا علوان. چاپ سوم. قم: انصاریان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق). **أمالی**. قم: دارالثقافة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**. حسن الموسوی خراسان. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عالی نژاد، محمدحسین؛ بیرانوند، سمانه. (۱۳۹۸). «فرماندهی و مدیریت حضرت علی (علیهم السلام) در برخورد با جنگ نرم در زمان خلافت». **اولین همایش ملی فرماندهی و مدیریت از منظر امیر المومنین امام علی (علیهم السلام)**. تهران. <https://civilica.com/doc/954849>.

(رضا مهرزاد)

- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ ق). **الوفای**. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
- قرشی، باقر شریف. (۱۴۰۹ ق). **حیة الامام زین العابدین (ع)**. بیروت: دارالأضواء.
- کشاوری، سوسن؛ ترکاشوند، سینا. (۱۳۹۶). «تبیین سیره تربیتی امام صادق (ع) جهت ارائه الگوی برای سبک زندگی اسلامی». **تربیت اسلامی**. شماره ۲۴. صص: ۳۱-۴۷.
- کشی، محمد. (۱۴۰۹ ق). **اختیار معرفه الرجال**. محقق و مصحح: محمد طوسی و حسن مصطفوی. مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد. (۱۴۰۷ ق). **کافی**. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۹۲). **روان شناسی اجتماعی**. چاپ دوم. تهران: دیدار.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ ق). **روضه المتقین**. محقق و مصحح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی. چاپ دوم. قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محمدی نجم، حسین. (۱۳۹۷). **جنگ شناختی: بعد پنجم جنگ**. چاپ دوم. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی (مرکز آینده پژوهی).
- مرادی، حجت الله. (۱۳۹۹). «جنگ شناختی بر پایه جنگ اطلاعاتی». **مطالعات عملیات روانی "ویژه نامه جنگ شناختی"**. سال پانزدهم. ش ۵۰. صص:
- مسعودی، علی. (۱۴۰۹ ق). **مروج الذهب**. محقق: اسعد داغر. چاپ دوم. قم: دارالهجرة.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). **پند جاوید**. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- معینی پور، مسعود؛ موسوی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۴). «سبک آموزش دینی امام سجاد (ع)». **مطالعات اسلام و روانشناسی**. شماره ۱۶. صص: ۱۵۳-۱۸۲.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). **امالی**. محقق و مصحح: حسین ولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق). **الاختصاص**. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقدم فر، حمیدرضا؛ محسنی آهویی، ابراهیم. (۱۴۰۰). «جنگ شناختی: علم پیروزی در نبرد ذهن ها». **خبرگزاری تسنیم**.
- منقری، نصر. (۱۴۰۳ ق). **وقعه صفین**. چاپ دوم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- مهرزاد، رضا. (۱۴۰۱). «مواجهه ائمه (ع) با عملیات شناختی امویان علیه اهل بیت (ع)». **پایان نامه کارشناسی ارشد**. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- مهرزاد، رضا؛ پرهیزکاری، سیدروح الله. (۱۴۰۴). «تغییر مولفه های اندیشه ای در جنگ شناختی امویان علیه اهل بیت (ع)». **مطالعات میان رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی**. سال چهارم. ش ۱۴. صص: ۱۲۵-۱۵۲.
- نجاشی، احمد. (۱۳۶۵). **رجال**. محقق: سید موسی شبیری زنجانی. چاپ ششم. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ ق). **مستدرک الوسائل**. محقق و مصحح: موسسه آل البيت (ع). قم: موسسه آل البيت (ع).
- هاچینز، ادوین؛ هی لاگین، فرانسیس؛ هیث، مارگارت. (۱۳۸۸). **شناخت توزیع شده**. مترجم: حسین رضانی، مصطفی مهرورزی. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- یاوری سرتختی، محمد جواد. (۱۳۹۶). **نهادهای آموزشی و دانشمندان شیعه**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام

(رضا مهرزاد)


خمینی (ره).

..... (۱۴۰۲). «متون آموزشی شیعیان امامیه در پنج قرن نخست هجری». معرفت. سال ۳۲. شماره ۸.

پیاپی ۳۱۱. صص: ۳۵-۴۶.

یعقوبی، احمد. (بی تا). تاریخ. بیروت: دار صادر.

## The Life of the Ahlul Bayt (peace be upon them) in the Cultural Engineering of Society (With Emphasis on the Strategy of Intellectual and Cultural Cadre Building in Cognitive Warfare

Reza mehrzad <sup>1</sup>

Received: November 21 , 2025

Revised: November 27 , 2025

Accepted: November 29 , 2025

### Abstract

With the rise of the Umayyads, profound cognitive deviations were experienced by the Islamic community. The damage that occurred in various social dimensions and aspects led to intellectual and ideological gaps among the Islamic community. In contrast, the Ahl al-Bayt (a.s.), considering the intellectual and cultural gap that had arisen in the community, chose “cultural engineering centered on intellectual and cultural cadre building” as one of their reform tactics. A tactic that can act as an interventionist to confront the dominant thinking and discourse in society and, while attacking the intellectual foundations of the rival movement, provide cognitive guidance to different masses of people based on their own epistemological foundations. Therefore, in this research, with the approach of historical study and comparative analysis method, we will examine this cognitive strategy of the Ahl al-Bayt (a.s.) and study and examine it in the form of measures such as “providing cognitive prerequisites”, “training and educating human resources” and “creating sublime values in lifestyle”.

**Keywords:** Seerah, cultural engineering, cadre building, cognitive warfare, Ahl al-Bayt (a.s.).

---

1. PhD student in the field of History of Islamic Culture and Civilization, Qom University of Islamic Education, Iran (Corresponding author): rezamehrzadselakjani@gmail.com